

رویدادهای مهم تاریخی

حاورستان

از سقوط امپراتوری عثمانی تا به امروز

گروه پژوهش‌های تاریخی زیر نظر: محسن میرزایی ۹۹



کشف شبکه جاسوسی آلمان نازی در قاهره

سادات به اتهام جاسوسی دستگیر شد



برای درک عمیق رویدادهای مصر در سالهای پیش از جنگ جهانی دوم و اطلاع از اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی آن کشور نهایت ضرورت را دارد و ما در این گزارش به طور فشرده به این مقوله می‌پردازیم:

در سالهای پیش از آغاز جنگ جهانی دوم سه نیرو بر مقدرات آن کشور تأثیر گذار بود.

۱- دربار: که جوانی با تحصیلات ناسنام و تجربه‌ای اندک بر تخت سلطنت نشسته بود و طبق قانون دارای اختیارات وسیعی بود.

۲- انگلستان اشغالگر که بعد از سرکوب انقلاب اعرابی پاشا، در زمان سلطنت توفیق پاشا، سرزمین مصر را غاصبانه به اشغال نظامی درآورده بود و مصر با وجود داشتن پارلمان و قانون اساسی و استقلال اسمی و رژیم پادشاهی عملاً کشوری دست‌نشانده و در شمار مستعمرات انگلستان بود.

۳- حزب وفد، که به خاطر مبارزه با استعمار انگلستان شکل گرفته بود و «سعد زغلول پاشا، مؤسس آن حزب پدر روحانی ملت محسوب می‌شد. نام «حزب وفد» در آذهان مردم مصر برابر با آزادی و استقلال بود.

علاوه بر این سه نیرو و این سه مرکز قدرت با ظهور هیتر و حزب نازی، عده زیادی از مردم مصر در صفوف مختلف از لشکری و کشوری طرفدار این رژیم نوظهور بودند. البته در سایر کشورهای خاورمیانه از جمله ایران و عراق نیز تعداد قابل توجهی از مردم بدون آنکه دانشکلیات منظمی داشته باشند از آلمان نازی حمایت می‌کردند یا این انگیزه که پیروزی آلمان و شکست انگلستان موجب رهایی ملت‌های خاورمیانه از استعمار بریتانیا خواهد شد.

اینک در مورد نیروهای سه گانه اثر گذار بر مسائل سیاسی و اجتماعی مصر وجهت اطلاع خوانندگان گرامی توضیحات بیشتری داده می‌شود.

دربار مصر که به خاطر اختیارات وسیع «سلطان» در امور کشوری و لشگری، اهمیت خاصی داشت خود در دو عامل مهم متکی بود و این دو عامل بودند: «ارثش» و «دانشگاه الأزهر» که در آموزش علوم قدمت هزار ساله داشت و بزرگترین و قدیمی‌ترین دانشگاه جهان اسلام به شمار می‌رفت، و اما «حزب وفد، همچنان از حمایت مردمی و بلامنزاعی برخوردار بود و وجود آنکه «پاشا» موقعیت «سعد زغلول پاشا» را نشانده است.

حزب وفد میراث زغلول پاشا، شمرده می‌شد و مورد حمایت مردم به ویژه کشاورزان مصری بود. روابط دربار و حزب وفد بیشتر اوقات متشنج بود. کدورت دربار از حزب وفد، زمانی آغاز شد که فراد بود «فاروق» رسماً پادشاه قانونی اعلام شود. درباریان می‌گفتند «فاروق» به ۱۸ سالگی رسیده و نمی‌تواند بمعتقد بود که قانونی برای تصدی مقام سلطنت ۱۸ سالگی است. سرانجام با دخالت «شیخ جماعت الازهر» دربار پیروز شد و فاروق، ۱۸ سالگی پادشاه قانونی اعلام گردید. از آن پس دربار همیشه درصدد آن بود که حزب وفد را تضعیف کند. اگر خوانندگان گرامی به شمار، های پیشین این گزارش مراجعه کنند، در بخش معرفی احزاب مصر، گزارش دکتر قاسم عنی سفیر کبیر ایران در مصر را ملاحظه خواهند نمود که علل تیرگی روابط دربار مصر و حزب وفد را شرح کرده و می‌نویسد: دلیل عمده این است که «نحاس پاشا» و «فاروق اعتنایی ندارد و شاه را تحقیر می‌کند. شاه هم

دستگاه از کار افتاده آن جاسوسان پیش آنها بوم.

دیدار با جاسوسان آلمانی

«انورسادات» در کتاب خاطرات خود چگونگی دیدار خود با جاسوسان آلمانی را شرح داده، می‌نویسد: «طبق قرار قبلی به دیدن جاسوسان آلمانی رفتم. با نهایت تعجب دیدم که محل اقامت آنها باوق یک قاصه معروف مصری است. «البر» جاسوس آلمانی وقتی در چهره من احساس تعجب مرا تشخیص داد خندید و گفت: «بس می‌خواستی در یادگان های انگلیسی اقامت کنم و شروع کردی به شرح روابط قبلی خود با قاصه مصری و تعریف و تمجید از وفاداری او. این دو جاسوس آلمانی لباس های انگلیسی خود را کنار گذاشته و لباس غیر نظامی می پوشیدند. سخاوتمندانه پول خرج می کردند و زندگی آنها در قاهره در طول این مدت جز شب زنده داری در کباباره «کیت کات» و مست بازیگشتن به بانوق قاصه مصری در پایان شب چیز دیگری نبود. جاسوسان آلمانی از اقامتگاه آن قاصه مصری به صورت ایستگاه تماس با ستاد فرماندهی خود استفاده می کردند.

لورتن جاسوسان و دستگیری انورسادات

«انورسادات» در دنباله خاطرات خود با اشاره به چگونگی دستگیری خود می‌نویسد:

«جاسوسان آلمانی پیش از ۴۰ هزار لیره تقبله در اختیار داشتند و لیره های خود را توسط یک نفر پیوسته به پول مصری تبدیل می کردند و آن پیوسته برای خرید کردن لیره ها ۳۰ درصد کارمزد می گرفت و من تعجب می کردم که چگونه ممکن است که یک پیوسته به گسائی خدمت می کند که می داند جاسوس نازی ها هستند»

«انورسادات» در این قسمت از خاطراتش به جزئیات همکاری اش با جاسوسان آلمانی اشاره کرده و شرح می دهد که چگونه اقامتگاه قاصه مصری در قاهره با مرکز اطلاعات ستاد ارتش رومل در صحرای غربی تماس می گرفت.

انورسادات اشاره به چگونگی لو رفتن جاسوسان و دستگیری خود اشاره کرده و می‌نویسد:

«یک زن ولگرد پیوسته که «البر» به او رابطه داشت به خاطر آنکه «البر» به او رابطه کافی ندهاده بود از اداره اطلاعات ارتش انگلستان خبر داد که باوق قاصه مصری مشکوک به نظر می رسد. بدین ترتیب مرکز جاسوسی آلمانیها لورتن و دوروز بعد از بازداشت جاسوسان ما من (انورسادات) و دوستم «حسن عزت» بازداشت شدید. ما به دانشگاه در انتظار پایان کار خود بودیم و اتهام ما تماس با جاسوسان دشمن بودا و تکلیف چنین اتهاماتی پیشینش معلوم است.

سرانجام روز سرزودت فراسید و فرمان تشکیل شورای نظامی صادر شد. در شورای نظامی سه افسر اطلاعاتی مصر و دو افسر انگلیسی از ما بازجویی کردند و چون از بازجویی ها چیزی دستگیرمیان نشد ما را در بازداشتگاه یک دانشمند و چهار ما بعد از ارتش اخراج شدیم و تازه آغاز بدختری بود زیرا به محض این که از ارتش اخراج شدیم به جنگ مأموران اطلاعاتی رژیم قاصه ما را به زندان «خارجی ها» بردند و سپس به بازداشتگاه نزدیک منطقه «صعیده» منتقل کردند.

ادامه دارد

درونی هم بر پی بودند.

«حسن عزت» که افسر ارتش بود با «حسن عزت» که طبق قانون حق هیچ گونه فعالیت سیاسی را نداشت جزو یک جمعیت مخفی از جوان نیروی هوایی مصر دران عضویت داشتند. از جمله این افسران «عبداللطیف بغدادی» بود که با گروه افسران آزاد در ۱۹۵۲ در کودتا شرکت نمود و افسر دیگری به نام «حسن ابراهیم» و «وچیه ابانه»، این هسته کوچک زیرزمینی ما را «سپهبد عزیزالمصری» بازرگ کل ارتش مصر که یک جمعیت ملی و ضد انگلیسی بود در ارتباط بودند.

در شماره های پیشین زندگینامه «عزیزالمصری» را نوشته‌ام و خاطر نشان کردم که او از ملین و عرب و از عاملین مهم فریوایشی

اشاره به این حادثه می‌نویسد: «حسین حد و مرز نمی شناخت» سادات در همان جلسه جلوفرق و خود راه به سخنان معرفی کرد و امیراز ورزید که به جمعیت اخوان المسلمین پیوستند.

ورد «سادات» به عالم سیاست در همین زمان بود اما نه از طریق جمعیت اخوان المسلمین. مقدر بود که «انورسادات» در واحد مخبریات «المعادی» یا مریدی به نام «حسن عزت» آشنا شود و از طریق این آشنایی وارد ماجراجویی های دوران خود پیوسته شود.

«حسن عزت» به دستور فرمانده خود به یادگان «المعادی» آمده بود تا در یک دوره آموزشی مربوط به مخبریات شرکت کند. «انورسادات و حسن عزت» بزودی دوست شدند و به افکار و اسرار

براسان این فکر به سراغ «حسن البنیاء» بنیانگذار حزب جمعیت «اخوان المسلمین» رفتند در مورد اخوان المسلمین در شماره های پیش به تفصیل توضیح دادیم که «حسن البنیاء» معلمی بود که برای نجات مصر و بیعتی نیروهای متدین و اسلام گرا متفقد و ملی و برای پیشبرد هدف خویش از «مساجد» استفاده نمی کرد و «قهوه خانه ها» «مراکز گروه های مردمی» را ترجیح می داد.

بنا به اظهار «دکتر محمدحسین هیكل، ملک فاروق و نخست وزیرش علی ماهر یا شا قدرت در حال رشد و پیشرفت بود. کدورت دربار از حزب وفد، زمانی آغاز شد که فراد بود «فاروق» رسماً پادشاه قانونی اعلام شود. درباریان می‌گفتند «فاروق» به ۱۸ سالگی رسیده و نمی‌تواند بمعتقد بود که قانونی برای تصدی مقام سلطنت ۱۸ سالگی است. سرانجام با دخالت «شیخ جماعت الازهر» دربار پیروز شد و فاروق، ۱۸ سالگی پادشاه قانونی اعلام گردید. از آن پس دربار همیشه درصدد آن بود که حزب وفد را تضعیف کند. اگر خوانندگان گرامی به شمار، های پیشین این گزارش مراجعه کنند، در بخش معرفی احزاب مصر، گزارش دکتر قاسم عنی سفیر کبیر ایران در مصر را ملاحظه خواهند نمود که علل تیرگی روابط دربار مصر و حزب وفد را شرح کرده و می‌نویسد: دلیل عمده این است که «نحاس پاشا» و «فاروق اعتنایی ندارد و شاه را تحقیر می‌کند. شاه هم

روابط دربار و حزب وفد بیشتر اوقات متشنج بود، کدورت دربار از «حزب وفد» زمانی آغاز شد که فراد بود «فاروق» رسماً پادشاه قانونی اعلام شود، درباریان می‌گفتند «فاروق» به ۱۸ سالگی رسیده و نمی‌تواند پادشاه شود در حالی که «حزب وفد» معتقد بود سن قانونی برای تصدی مقام سلطنت ۲۱ سالگی است